

## موسس، مدیر عامل و رئیس هیات مدیره تنها تعاونی اعتبار ویژه زنان ایران

### تعاونی اعتباری اسماء خراسان جنوبی

#### شرح حال سیده زهره اصغری، دانش آموخته کار آفرین دانشکده کار آفرینی

Email: z\_asghari61@yahoo.com

بانوان بهتر شود. سال ۱۳۷۹ "تعاونی اعتباری اسما" به ثبت رسید و مدت ۱۳ سال به کار خود ادامه داد و جزء اهداف اولیه آنان تأسیس بانک زنان ایران بود.

من تجربه کار تیمی را در آنجا شروع نمودم. همکاری اعضا بسیار خوب بود و من مدیریت تیمی را به عهده داشتم. طبیعتاً اختلاف نظرها و تفاوتها همیشه وجود دارد ولی خب این که بتوانی فرهنگ سازی کنی و عدهای خانوم را کنار هم بیاوری که پولشان را در آنجا قرار دهند هم امنیت پولشان برقرار باشد، هم خانوادههایشان راضی باشند، سخت بود.

در زمان تأسیس تعاونی، فرهنگ کار آفرینی به شکل کنونی وجود نداشت. هم مبارزات داخل سازمانی و هم برون سازمانی را داشتیم. در طول چند سال در خانواده

تاریخچه اجمالی تعاونی اعتبار اسماء

تعاونی اعتبار اسماء به دفعات (تولید تعاونی اعتبار) رونق گرفت در سال ۱۳۷۹ با کمک کار آفرینی و توسعه اشتغال خانگی (بانک خدمات مالی و اعتباری) به ۱۶۷ نفر عضو آغاز به فعالیت نموده

**۱۵ شعبه**

**۱۰۰ پرسنل**

**شهر تهران و استان خراسان جنوبی**

افتخارات تعاونی اعتبار اسماء و اعضای هیئت مدیره

**سال ۱۳۸۵**

**رتبه اول تعاونی کار آفرین در حال رشد**  
استان خراسان جنوبی در بخش خدمات، در زمینه کسب و کارهای تعاونی جشنواره کار آفرینان برتر امیرکبیر

**سال ۱۳۸۶**

**کار آفرین برتر ملی**  
و کسب **رتبه اول کار آفرینان برتر کشور**  
در گروه خدمات، به انتخاب وزارت کار و امور اجتماعی

**کار آفرین برتر استان خراسان جنوبی**  
به انتخاب سازمان کار و امور اجتماعی استان و دانشگاه بیرجند

ها فرهنگ سازی و اعتماد سازی انجام شد و تعداد اعضا روز به روز بیشتر شدند. چون درآمدزایی آنچنانی نداشتیم خدمات جدید تعریف کردیم. اعضای بودند که در خانه حضور داشتند و مشاغل خانگی و مهارت خودشان را داشتند. ما یک عده از خانمها را حمایت کردیم، البته دیدم که یک عده توانایی و مهارتش را ندارند و باید هم امنیت مالی خودمان را تأمین می کردیم و آن ها هم توانایی پیدا می کردند که باز پرداخت تسهیلات را انجام دهند، برای همین روشی را پیاده کردیم و به آن ها آموزش و مشاوره دادیم.



خواستند و به من که فیش حقوقی داشتم، خیلی برخورد. این برخورد باعث شد که به فکر تأسیس صندوق قرض الحسنه ای برای اعضای تعاونی فرش دستباف بیفتم. بررسی کردم و دیدم تعاونی های اعتباری ویژه زنان در ایران نداریم. فقط یک تعاونی اعتبار فاطمه زهرا بود که هم آقایون عضوش بودند و هم خانوم ها. با فرماندار صحبت کردم و هفته ای سه روز در فرمانداری مستقر شدم. اولین تعاونی اعتباری ویژه زنان در سال ۱۳۷۸ در فرمانداری بیرجند با ۱۳۰ نفر عضو و ده میلیون تومان سرمایه راه اندازی شد. از طرف فرمانداری حمایت مالی نشدیم و فقط استارت



کار در آن جا زده شد. هدف این بود که تشریک مساعی و خرد جمعی صورت بگیرد که وضع زندگی

من در دهم ماه مرداد سال ۱۳۴۲ در یک خانواده پر جمعیت متولد شدم. کودکی ام با شیطنت، شور، اشتیاق و انگیزه گذشت. به یاد دارم از همان دوران کودکی علاقه به مدیریت و رهبری در من موج میزد. پدرم کارشناس فرش بودند و با بزرگان بازار و مردم در ارتباط بودند. من هم در آن محیط زندگی و با اون جامعه بزرگ شدم. در سال ۱۳۶۰ دیپلم اقتصاد را گرفتم و بعد از آن ورودم به دانشگاه مصادف شد با آغاز انقلاب فرهنگی و به همین دلیل وقفه در ورود به دوره ی کارشناسی من افتاد. در سال ۱۳۶۲ ازدواج کردم. بین وقفه ی دوره دیپلم تا ورودم به دانشگاه، در همه ی آن سال ها همیشه ذهنم درگیر ادامه تحصیل و ورود به فعالیت های اجتماعی بود. سال ۱۳۶۷ تصمیم جدی گرفتم که به هر سختی که شده درس را ادامه بدهم.

بعد از مدت ها متوجه شدم که روحیه من با روحیه یک زن خانه دار که داخل خانه بشیند سازگار نیست، سعی کردم مهارتی را یاد بگیرم و وارد یک محیط - اجتماعی شوم. همان زمان همسرم در کارخانه اش نیاز به حسابدار داشت. دیپلم حسابداری خودم رو گرفتم و کارهای مالی مجموعه همسرم رو انجام دادم. تا این که یک روز یکی از مسئولین جهاد - کشاورزی استان خراسان برای بازدید از کارخانه آمده بود به من پیشنهاد دادند تا در شرکت تعاونی فرش دستباف روستایی همکاری کنم. من در آن جا مسئولیت امور مالی را برعهده گرفتم. حجم کار خیلی بالا و سخت بود. من تلاش کردم با توجه به دید بسته ای که در آن زمان در جهاد وجود داشت نشان دهم که زنان هم می توانند وارد عرصه مالی شوند. در این زمینه تلاش های شبانه روزی کردم، بارها پیش می آمد که من بچه های خودم را نمی دیدم و آن ها را به دست خانواده سپرده بودم. بعد از فراگرفتن دوره های کامپیوتر و برنامه نویسی نماینده چند شهر در جهاد استان شدم. هم کار نظارتی و هم حسابرسی تعاونی های تحت پوشش را بر عهده داشتم.

شروع کار من برای کار آفرین شدن از جایی بود که برای دریافت وام به بانک مراجعه کردم. از من معرف

راهگشا بودند. با دوستان جدیدی هم آشنا شدم و ارتباطات کاری بیشتری شکل گرفت. همکاری با کانون کارآفرینان زن که با دانشکده هم در تعامل هستند خیلی برایم مفید است.

من هنوز پیگیر بانک هستم. ولی تفکرات سیستم می گوید خانم ها نباید دنبال برخی کارها بروند، مثل کارهای پولی و مالی. من بارها پیگیر این بحث بودم و به بانک مرکزی رفتم اما تفکر این که خانم ها بانک داشته باشند، وجود ندارد. در حال حاضر رییس کمیسیون زنان اتاق تعاون استان خراسان و دبیر کمیسیون بانک، بیمه و بازار سرمایه و عضو کمیسیون آموزش اتاق تعاون ایران هستم و جلسات هفتگی فعالی داریم. موضوع بانک قرض الحسنه زنان را نیز از این طریق پیگیر هستیم. همچنین مشاور معاونت بازاریابی موسسه اعتباری کوثر، عضو هیات مدیره خدمات مشاوره کارآفرینی هفت اورنگ غزال و مدیرعامل شرکت هفت گوهر آسمان هستیم.

من معتقدم در کسب و کار همه انسان ها چه زن و چه مرد می توانند به اهداف خود دست یابند به شرطی که فقط یک درصد از دیگران بیشتر تلاش کنند و برنامه ریزی و هدف داشته باشند. برای برند و برنده شدن باید هزینه داد. عملگرا بودن از ویژگی های مهم افراد کارآفرین است. معتقدم برای رشد و پیشرفت نباید تحت تأثیر قضاوت های دیگران قرار گرفت. فرد کارآفرین به این فکر نمی کند که از کجا آمده بلکه به این می اندیشد که به کجا باید برود و در این مسیر هیچ چیز نمی تواند مانع رسیدن به اهدافش شود.



نداشتم. من در واقع ریسک بی منطق کردم! بدون اینکه به موانع فکر کنم به هدف می نگرستم.

من برای خودم یک چهارچوب فکری دارم و بر اساس اعتقادات فکری خودم حرکت می کنم. در محیط کارم همیشه پشتکارم داشتم، اگر با یک مانعی برخورد می کردم، سعی می کردم و آن مانع را بر می داشتم و از آزمون و خطا زیاد استفاده می کردم. آن زمان که ما شروع کردیم بحث های کارآفرینی را که امروز مطرح می شود وجود نداشت که تجربیات مثبتی را برای ما به همراه آورد. نکته دیگر فکر می کنم صعه صدر و تاب آوری من بود. جمله معروفی است که رهبر یک ارگست همیشه باید پشتش به جمعیت تماشایی باشد. من همیشه هدف داشتم و می خواستم به آن برسیم. شاید ریسک پذیری یکی دیگر از ویژگی های من باشد که همه آن را به من می گفتند. روحیه استقلال داشتم و همیشه می خواستم یک کار نوین و جدیدی انجام بدم.

در سال ۱۳۹۱ وارد دانشکده کارآفرینی شدم. با توجه به سابقه کاری که در محیط های چالشی داشتم با آزمون و خطا به تجربیات در عرصه کاریم رسیده بودم. در کنار آن تحصیل در دانشکده کارآفرینی به من کمک کرد که بتوانم قدرت تجزیه و تحلیل را ارتقاء دهم. برخی از استادان و برخی از دروس برایم بسیار

کار نوینی که ما انجام دادیم مشاوره و آموزش بود. هر کس که مراجعه می کرد و مشکلی داشت به وی مشاوره می دادیم و در جایی که نیاز به مهارت داشت امکانات آموزشی و مهارتی را برای وی آماده و با توجه به مهارتی که داشت تسهیلات به وی پرداخت می کردیم. اعضا با هم ارتباط داده می شدند و شبکه سازی صورت می گرفت، کسب و کاری را راه اندازی می نمودند. سال ۱۳۸۱ فکر کردیم باید یک منبع درآمدی دیگری هم داشته باشیم. فردی که بازنشسته بانک بود از طریق اداره تعاون وقت به ما معرفی شد که قبول زحمت فرمودند که با ما همکاری داشته باشند و شعبات صندوق را تأسیس کردیم.

بعد از مدت ها متوجه شدیم ایشان کارهایی انجام می دهد که مشروعیت ندارد و از ایشان شکایت به دادگاه بردیم. مجبور شدم خودم ریاست مجموعه اسما را برعهده بگیرم. از سال ۱۳۸۷ شعباتمان را در تهران راه اندازی کردیم.

در این مسیر مشکلاتی پیش آمد که من گفتم اصلا تعاونی نمی خواهم و می خواهم بانک قرض الحسنه داشته باشم. به صورت دستنویس موافقت تأسیس بانک قرض الحسنه زنان را گرفتم اما با توجه به مشکلات زیادی که به وجود آمد بصورت اجباری با ۴۵ هزار نفر سپرده گذار، ۱۲۰ نفر نیرو و ۱۴ شعبه با مجموعه اعتباری "افضل توس" ادغام شدیم. پرونده این موضوع هنوز در دادگاه درگیر است. سال ۱۳۹۱ در مجمع عمومی اعلام انحلال کردیم و بنده مسئولیت تسویه را بر عهده دارم. ما می خواستیم دید روشنی نسبت به جامعه زنان وجود داشته باشد. گروه هدف ما زنان سرپرست خانوار و فارغ التحصیلان دانشگاهی بودند و همه کارهایی که ما در اسما انجام می دادیم



در جهت کاهش فقر و آسیب های اجتماعی و حمایت از زنان بود. من از ابتدای راه بسیار مصمم بودم. در رسیدن به هدفم هیچگونه شک و تردیدی در کارم



با بیش از ۱۴ شعبه

تهیه کنندگان: محمد حسین خانی، مجید حسین زاده

با نظارت: دکتر محمد رضا زالی (رئیس دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران)